

زن و انتخابات

نجیبه کریمی

مقدمه

انتخابات یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و نشان دهنده مشارکت مردم در حکومت است. انتخابات «مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمان روایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده است از این دیدگاه انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است، ابزاری است که بوسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد»^[۱]

پارلمان به دستگامی اطلاق می‌شود که کار ویژه آن وضع قانون یا قواعد کلی و لازم‌الاجراست. پارلمان ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود.^[۲]

پارلمان یا شورای ملی افغانستان از دو مجلس تشکیل شده است:

۱- مجلس عوام (ولسی‌جرگه) با حداکثر ۲۵۰ نفر اعضاء، توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد.^[۳]

۲ - مجلس سنا (مشرانو جرگه) طبق ماده ۲۴ قانون انتخابات تعداد اعضای مجلس سنا سه برابر تعداد ولایات کشور می‌باشد، که یک‌ثُلث آن توسط شوراهای ولایت، یک‌ثُلث آن توسط شورای ولسوالی‌ها و یک‌ثُلث باقی‌مانده آن توسط رئیس جمهور انتصاب می‌گردد.

در فرایند انتخابات، همه احاد ملت باید شرکت نمایند. آیا زنان در انتخابات می‌توانند تأثیر گذار باشند؟ دیدگاه اسلام در این زمینه چگونه است؟ آیا زنان در انتخابات گذشته افغانستان نقش داشته‌اند؟ چالش‌های فرا روی زنان در انتخابات کدامند؟

در این نوشتار، تلاش بر این است که به پریش‌های فوق پاسخ‌های مناسب و در خور داده شود.

مشارکت سیاسی زن از نظر اسلام

۱- دلایل قرآنی

۱- فرمانروای زن در قرآن

«مهمترین شاهد بر جواز حضور زن در حاکمیت، آیات سوره نمل ۲ / (۳۵ - ۳۳) فرمانروایی ملکه سیاست که حاکم سرزمین خود بود و در اعمال حاکمیت از مشورت بزرگان و سران مملکتی کوتاهی نمی‌کرد. مهمترین پیام آیه معرفی یک زن خردمند است که تحت تأثیر عاطفه‌اش قرار نمی‌گیرد و بخوبی حکومت می‌کند. زنی مدبر، فرمانروا و اهل مشورت که هیچ‌گونه مذمتی از خداوند درباره‌اش وارد نشده است.» [۴]v

«تحلیل چهره این زن روشن می‌سازد که امکان آن هست که زن بتواند بر عوامل ضعف زنانگی خود غالب آید و این گواه آن است که ضعف‌ها اموری مقدر و جبری نیستند که رهایی از آن امکان پذیر نباشد» [۵]v

«قالت إن الملوك اذا دخلوا قريةً افسدوها وجعلوا اعزةً أهلها اذلةً و كذلك يفعلون و ائی مرسلةً اليهم فناظره» بم يرجع المرسلون (۳۵-۳۶ / نمل)

۲- تأیید و تأکید مشارکت اصلاحی زنان در قرآن

می‌دانیم که امر به معروف و نهی از منکر از اصول مسلم سیاسی- اجتماعی اسلام است که دهها آیه و روایت در زمینه اهمیت، مراتب و فواید آن وجود دارد. از آن جمله:

امام علی علیه السلام در وصیت به حسنین علیهم السلام فرمود: «امر بمعروف و نهی از منکر را و امگذارید که بدان بر شما مسلط می‌گردند و دعایتان مستجاب نمی‌شود»

- در برخی روایات اهمیت امر بمعروف تا آنجا پیش می‌رود که: بها تقام الفرائض. قوام و دوام واجبات دیگر به قوام و دوام آن منوط می‌گردد.

عنصر امر بمعروف و نهی از منکر اساسی‌ترین انگیزه و هدف قیام امام حسین علیه‌السلام

بود. [۶]vi

«در یکی دیگر از آیات قرآن، امر بمعروف و نهی از منکر بعنوان یک نوع ولایت اجتماعی که مؤمنان بر یک دیگر دارند معرفی شده است. در همین آیه تصریح شده که این وظیفه مشترک زنان و

مردان است: والمؤمنون و المؤمنات بعضُهُم اولیا ء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمومون الصلوة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیزٌ حکیم [vii] این آیه نشان می‌دهد که جامعه اسلامی از هویتی واحد برخوردارند جنسیت این هویت را برهم نمی‌زند. این مجموعه با هویت واحد بر یک دیگر ولایت دارند. «^[viii] آیه در حقیقت وجوب نظارت زنان بر کارگزاران سیاسی را نیز مطرح می‌کند.

ب- دلایل روایی

۱- اهتمام به امور مسلمین

«شارع، زن را در مقابل حوادث جامعه بی طرف و خنثی قرار نداده و توصیه های کتاب و سنت در این زمینه مرد و زن را در بر می گیرد و اختصاص به مردان ندارد. حدیث نبوی مشهور می‌فرماید: «من أصبح و لم یهتم بالامور المسلمین فلیس بمسلم» این روایت و دیگر مضامین مشابه در کتاب و سنت، زن را نیز در بر می‌گیرد. زنان نیز همچون مردان باید به شناسایی نیازهای جامعه و امت بپردازند و اعمال دولت و سیاستمداران و مواضع‌شان را در پرتو آشنایی با نیازهای جامعه و امت زیر نظر بگیرد. و در موافقت، مخالفت یا انتقاد به آن عملکردها ابراز عقیده نماید و برای بر آوردن نیازها و حل مشکلات تلاش نماید.^[ix]

۲- آگاهی از فتنه‌های زمان

در روایات داریم که مؤمن باید کیس باشد. یعنی در مقابل نیرنگها و دسایس هوشیار باشد و فریب نخورد. با توجه به تهاجم همه جانبه علیه اسلام و استفاده های ایزاری از زنان لزوم آگاهی و هوشیاری زنان بیشتر ملموس می‌باشد. «در پرتو مشارکت اجتماعی، فهم سیاسی و آگاهی از زمان که یکی از آگاهی های لازم برای هر انسان است محقق می‌گردد چنانچه در حدیث داریم: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» آنکه به زمانش آگاه باشد فتنه‌ها بر او هجوم نیاورد.»

اگر زنان مسلمان آگاه به زمانه باشند و دسایس و نیرنگ‌های استعمارگران را درک کند هرگز آلت دست آنان نمی‌شوند. زیرا که بارها جامعه شناسان و متخصصین استعمار گفته اند: «زنان را در دست بگیریم همه چیز بدنبال آن خواهد آمد»^[x]

در الجزایر استعمارگران به این نتیجه رسیدند: «اگر بخواهیم به تار و پود جامعه الجزایر هجوم

بریم و استعداد مقاومت او را معدوم سازیم باید بدواً "زن‌ها را تحت تسلط قرار دهیم" [۱۱]xi

اگر مردان مسلمان از منزلت و شأن زن مسلمان را که اسلام به او هدیه کرده، برمی‌تافتند، به‌طور قطع روزگار امت اسلام و مسلمانان این‌گونه نبود. آیا زنان مسلمان با پرده نشینی می‌توانند کیس باشند. و از فتنه‌های شوم و رنگارنگ زمانه آگاهی یا بند.

ج- بیعت

گرچه بیعت به معنای دقیق کلمه همان انتخاب نیست.* ولیکن بیعت زنان صدر اسلام با پیامبر اکرم(ص) نمونه بارزی از مشارکت سیاسی زنان است.

در صدر اسلام و در زمان حضور پیامبر گرامی اسلام(ص) چندین بیعت صورت گرفت که در همه آن‌ها حضور زنان را می‌توان دید. در عقبه اول يك زن و در بیعت بعد از فتح مکه مشارکت زنان چشمگیر بود. «حضور اولین زن در اولین بیعت (عقبه اولی) در زمانی که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود بسیار شگفت آور و مهم محسوب می‌شود». [۱۲]xii

بیعت زنان با پیامبر گرامی اسلام بعد از فتح مکه از اهمیت بسیاری برخوردار است، [۱۳]xiii زیرا از يك طرف حریمی برای زنان قایل شد، و از طرف دیگر هویت مستقلی برای آنان تبیین نمود؛ چه آن که خود زنان با پیامبر بیعت کرد، و کسانی دیگر به‌نیابت از زنان برای بیعت مورد پذیرش پیامبر اکرم قرار نگرفت

«متأسفانه این حق مسلم زنان بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) توسط خلفا و سلاطین نادیده گرفته شد و این نخستین بار در سقیفه بنی ساعده بود که ... زنان را بدان‌جا راه ندادند و فقط از مردان بیعت گرفته شد!» [۱۴]xiv

البته امام به حق، علی(ع) در نهج البلاغه حضور زنان در روز بیعت با خود را تذکر داده و می‌فرماید: «بلغ من سرور الناس بیعت هم ایای ان ابتهج بها الصغیر و درج الیها الکبیر و تحمل نحوها العلیل و حسرت الیها الکعب» (خطبه ۲۲۰ نهج البلاغه). [۱۵]xv

شادی مردم بر اثر بیعت با من به جایی رسید که بچه‌ها شاد شدند و پیران با قدمهای لرزان و بیماران با سختی و مشقت به سوی بیعت آمدند و دختران جوان نیز برای بیعت آشکار شدند.

د) زنان و مشارکت اجتماعی در عصر ظهور

به‌هنگام ظهور قطب عالم امکان مهدی موعود نیز زنان در صحنه هستند. به تصریح روایات از آن سیصد و سیزده تن تعداد قابل ملاحظه ای زن می باشند.

مامقانی در رجال خود ضمن آنکه قنواء بنت رشید را از اصحاب امام صادق علیه‌السلام خوانده، درخصایص فاطمیه روایت می‌کند هنگام ظهور دولت حقه امام زمان ۱۳ زن برای معالجه مجروحان لشکر امام زمان به دنیا برمی‌گردند که از جمله آن‌ها «قنواء» و ام ایمن همسر پیا میر و نسبیه دختر کعب مازنیه است. [xvi]^{۱۶}

از امام باقر علیه السلام روایت شده که: قسم به خدا که سیصد و اندی که در بین آنان ۵۰ زن می‌باشند در هنگام ظهور مهدی (عج) به او می‌پیوندند. [xvii]^{۱۷} این امور نشان دهنده مشارکت زنان در مسایل اجتماعی و سیاسی است. این امور نشان دهنده مشارکت زنان در مسایل اجتماعی و سیاسی است.

زن و انتخابات در آینه فقه

در مورد حضور زنان در پست‌هایی همچون وزارت و ریاست دو دیدگاه مطرح است.

دیدگاه اول: در این دیدگاه فقها معتقدند که در فقه اسلامی ولایت مخصوص مردان است و امر فوق صرفاً "وکالت نیست بلکه عین حکومت و از امور ولایت و از مسلمات فقه اسلام بشمار می‌آید بنابراین زنان به هیچ وجه حق حکومت ندارند. [xviii]^{۱۸}

آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین عالم برجسته لبنانی و رئیس مجلس اسلامی شیعیان در کتاب خود (مشارکت سیاسی زنان در اسلام) به تفصیل به این مطلب پرداخته و معتقد است این دیدگاه دو عامل دارد یکی غفلت نسبت به فضای فقهی - کلامی حاکم بر رویکرد فکری در قضیه ریاست حکومت است که در نظر عموم مسلمانان قضیه ریاست حکومت تابع قاعده «الائمة من قریش» بود و روایت‌هایی در بردارنده این قاعده بر «دوازده مرد از قریش» تصریح داشت از دیدگاه ائمه اهل بیت (ع) این قضیه تابع نص و تعیین امام علی و امامان دیگری از فرزندان او بود. لذا هم از نظر دیدگاه عموم مسلمانان و هم از نظر دیدگاه اهل بیت (ع) - از لحاظ شرعی - مجالی برای زمامداری زن نبود. عامل دیگر تشخیص نادرست حوزه فعالیت سیاسی شکل‌ها و شیوه‌های فعالیت سیاسی در زمان گذشته و حال است. برخی گمان کردند که رابطه زن با فعالیت سیاسی در صدر اسلام باید در قالب و شکل امروزی آن باشد، حال آنکه نحوه فعالیت سیاسی در گذشته با آنچه که امروز در جریان است متفاوت است.

دیدگاه دوم: وزارت در کابینه، نمایندگی در پارلمان و ریاست جمهوری نوعی وکالت است حضور زنان در این مسندها با احراز شایستگی بلامانع است. زیرا در آن امر ولایت مطرح نیست. بررسی وجه تمایز وکالت و ولایت این امر را روشنتر خواهد کرد.

۱- مردم وکیل را انتخاب می‌کنند و هر چقدر که بخواهند به او قدرت می‌دهند یا اختیار را محدود می‌کنند اما در ولایت شارع اختیار را مشخص می‌کند نه مردم

۲- در وکالت مردم می‌توانند مدت وکالت حاکمیت را مشخص کنند (مانند چهار سال ریاست جمهوری) اما در ولایت مادامی که ولی دارای اوصاف و شرایط لازم برای ولایت باشد می‌تواند حاکمیت کند.

۳- در وکالت همان طور که نصب وکیل به دست مردم است عزل وکیل نیز به دست آنان است (اختیار وکیل به دست موکل است) اما در ولایت مردم نمی‌توانند ولی را عزل کنند، زیرا شایستگی آن را ندارند مثلاً "نمی‌توانند ولی فقیه را عزل یا نصب نمایند ولی، فقیه با شرایطی که از طرف شرع آمده منصوب یا معزول می‌گردد نه با شرایط و سلیقه مردم.

دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد مشارکت سیاسی زنان

دیدگاه امام راحل(ره)^(۱) در باره مشارکت سیاسی زنان از دو بعد حقوقی و سیاسی حایز اهمیت است:

۱- بعد سیاسی که بر جایگاه سیاسی زن تأکید دارد: خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند تکلیف‌شان این است، دین اسلام دین سیاسی است که همه چیزش سیاسی است.

۲- بعد حقوقی: به تساوی حقوق زن و مرد در حوزه اجتماع اشاره دارد؛

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن، حق رای گرفتن و در تمامی جهات که مرد حق دارد زن هم دارای حق است»^{[۱]xix}

افزون بر این، ایشان تأکید می‌کند که سیاست اختصاص به مردان ندارد، چه بسا زنان قوی تر از مردان ظاهر می‌شوند. «شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید، شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید، مردها از شما الهام گرفتند»

«مردها به تبع زنان به خیابان‌ها ریختند»

امام خمینی^(ع) زنگارهای جهل و تحجر را از چهره اسلام زدود و زنان را به تلاشی چون زنان صدر اسلام فراخواند. در آستانه پیروزی انقلاب فرمود: «مبادا يك وقت اسلام بیايد، در خانه را روی زن‌ها ببندد و آن را قفل کند که دیگر بیرون نیايد. زن‌ها در صدر اسلام توي میدان‌ها می‌رفتند. زن‌ها در محفظه بمانند؟ چه کسی چنین چیزی به شما گفته است که باید این طور باشد.»^{[۲۰]xx}

زن و انتخابات در غرب

می‌دانیم که در غرب تا این اواخر زنان حق رای نداشتند. «آگوست کنت از بنیان‌تفکر جدید غرب در این باره چنین فلسفه بافی می‌کرد که شأن زن بالاتر از رای دادن است. لذا لازم نیست رای بدهد»^{[۲۱]xxi}

کشورهای غربی که امروز داد از حقوق زن می‌زنند و شعار دخالت زنان در امور سیاسی و اجتماعی را سر داده‌اند تا اوایل قرن بیستم از حق رای محروم بودند. «اولین بار حق رای برای زنان و نمایندگی آنان در مجلس در دو کشور نیوزیلند ۱۸۹۳ و استرالیا در سال ۱۹۰۲ به رسمیت شناخته شد. در سوئد این جنبش به سال ۱۹۱۸ به ثمر رسید. در ایالت متحده آمریکا در ۲۶ آگوست ۱۹۲۰ حق رای زنان در قانون اساسی منظور شد. بین سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ زنان نروژ، دانمارک و ایسلند راه آنان را ادامه دادند.»^{[۲۲]xxii}

«عضویت زنان در سازمان‌های سیاسی نیز بسیار محدود است. نسبت اعضای زن در سازمان‌های حزبی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد کل اعضا بوده است. همچنین وظایف زنان در درون احزاب به مسایل فرهنگی یا روابط عمومی محدود می‌شود. نمایندگی زنان در پارلمانها نیز بسیار محدود بوده است. در پارلمان آلمان به‌طور متوسط ۶/۹ درصد، در مجلس ملی فرانسه ۵ درصد، در مجلس عوام انگلستان ۳ درصد و در کنگره آمریکا ۲۱ درصد از اعضا زن بوده‌اند»^{[۲۳]xxiii}

گفتار ۲؛ زن و انتخابات در افغانستان

پیشینه حضور سیاسی

با توجه به جامعه سنتی و مردسالاری در افغانستان حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی – سیاسی یا اصلاً وجود نداشته و یا اگر هم بوده بسیار اندک و محدود بوده است.*

زن افغانستانی از ابتدایی‌ترین حقوق خود همانند تحصیل، اشتغال، مالکیت محروم بود چه رسد به حضور در صحنه سیاست. زن افغانستانی هویت مستقلی نداشت و برای او شناسنامه صادر

نمی‌شد. اصولاً "فرزند دختر را جزء اولاد خود

نمی‌دانستند و چه بسا به سان عرب جاهلی از شنیدن خبر تولد دختر چهرها سیاه اندوهگین می‌شد. جمود و تحجر تا آنجا پیش رفت که زنان به عنوان يك کالا و مبادله می‌شد. کم نبودند زنانی که بدل دبه، صلح و یا موارد دیگر به عقد ازدواج طرف دعوا در می‌آمدند. [xxiv]۲۴

* برای نمونه می‌توان از دو دوره اقدام اصلاحی در باره زنان و حضور آنان در صحنه های اجتماع و سیاست در تاریخ افغانستان نام برد. دوره اول در زمان امارت امان الله به وجود آمد که بدون توجه به احکام دینی و مناسبات موجود در افغانستان اصلاحات چندی مثل: رفع حجاب، تحصیلات زنان، برابری زنان و مردان، منع تعدد زوجات و... را به اجرا گذاشت و همین اصلاحات سبب کوتاهی امارت، و در نهایت موجبات سرنگونی او را فراهم آورد. دور دوم در دوره کمونیست‌ها صورت گرفت: منع شیربها، تحصیلات زنان، برابری و عدم تبعیض، رفع حجاب و... از اصلاحاتی است که برای زنان صورت گرفت. ر.ک. محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱ و ۲ و ۳

هنوز که هنوز است گرفتن مهریه و ارث کاری است بس ناروا و ناپسند. مهجوریت و محرومیت زنان افغانستان ی یکی دوتا نیست. این‌ها که برشمرديم مشت است نمونه خروار.

این روزها در رسانه‌ها و مطبوعات شاهد عناوین خوش تراش و نوید بخشی هستیم.

زنان افغانستانی و مشارکت گسترده در انتخابات!

کابینه افغانستان و حضور وزراء زن!

زنان افغانستانی و نامزدي ریاست جمهوری!

نظام سنتی و مرد سالارانه افغانستان فرو افتاده؟

آیا زنان افغانستانی جایگاه واقعی خود را در یافته است؟

آیا زنان محروم و مهجور کشور به آزادی مطلوب خود رسیده‌اند؟ این‌ها سؤالاتی است که

اندیشمندان و روشنفکران دین باید عمیقاً به آن‌ها بیندیشند و پاسخ بیابند.

اهمیت انتخابات و پارلمان

انتخابات از دو جهت اهمیت دارد: جهت اول رای دادن است، بنابر نظر اسلام رای دادن هم حق است و

هم تکلیف؛ حق است چون خداوند به انسان حق تعیین سرنوشت را داده و تکلیف است چون مردم وظیفه دارند در تأسیس و تقویت نظامی که مشروع است مشارکت کنند. طبق این نظر، اگر کسی در انتخابات شرکت نکند نه تنها از حق خود طرف نظر نموده، بلکه به تکلیف خود نیز عمل نکرده است. نتیجه این می‌شود که افراد نا صالح، نا کار آمد و فاقد تعهد

و تخصص سرکار آیند و به اسلام و مسلمین خسارت و زیان آورند.

جهت دوم اهمیت انتخابات در رای گرفتن است، یعنی کسی که با رای گرفتن از مردم در مسند وکالت، وزارت یا ریاست قرار بگیرد با توجه به حدیث شریف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» هر فردی که دارای علم، دانش، تخصص و توانمندی است و حضورش در این مسندها گرهی از مشکلات مردم می‌گشاید باید احساس وظیفه نموده و با رای گرفتن از مردم در این مسندها به مردم خدمت نماید. چاره جویی برای رفع مشکلات مردم از یک سوی و هجوم همه جانبه مستکبران بر اسلام و مسلمین از سوی دیگر، لزوم حضور علما و متدینین را در این صحنه‌ها آشکارتر می‌کند چنانچه در حدیث داریم «إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالمُ علمهُ فمن لم يفعل فعليه لعنة الله»^{[۲۶]xxv}

شرکت در انتخابات چه در مقام رای دادن و چه در مقام رای گرفتن برای همه وظیفه است. اما این وظیفه برای عالمان دینی و روحانیون سنگین‌تر است. همان‌طور که امام خمینی^(ره) فرمودند: «من به قشر روحانیت عرض می‌کنم که کناره گیری علمای مذاهب اسباب این شد که ملت ما و بزرگان‌شان از هم جدا شدند و هر کاری که خواستند دولت‌ها کردند و دولت‌ها را به حال خود گذاشتند و هر طور سرکشی که خواستند کردند، چنانچه شما از صحنه بیرون بروید باز آن مسائل سابق پیش می‌آید»^{[۲۶]xxvi}

پارلمان: طبق ماده ۸۱ قانون اساسی افغانستان شورای ملی یا همان پارلمان عالی‌ترین ارگان تقنینی می‌باشد. پارلمان نیز با توجه به وظایفش از دو جهت حایز اهمیت می‌باشد: اول آنکه مجلس با وضع قوانین و مقررات رقم زننده سرنوشت سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است. دوم آنکه چون از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند و نقش نظارتی بر دولت دارد (استیضاح وزراء، تصویب بودجه دولت، اجازه اخذ یا اعطای قرضه) ناظر است ملی بر کارهای دولت (قوه مجریه).

طبق ماده نودم قانون اساسی افغانستان شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱- تصویب، تأدیب یا لغو قوانین و فرامین تقنینی

۲- تصویب پروگرام‌های انکشافی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژی

۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه

۴- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل یا الغای آن

۵- تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن‌ها، در واقع پارلمان تصویر کوچک شده‌ای از ملت است که هر چه زبده تر و برگزیده تر و توانمند تر باشد تصویر روشنتری از آن، ملت ترسیم خواهد کرد. [xxvii]۲۷

شورای ملی و حضور زنان

قانون اساسی و نیز قانون انتخابات چنان وضع شده که زمینه برای مشارکت حضور زنان، بسیار فراهم و مهیاست. زنان نه تنها حق رای دارند بلکه حضور آن‌ها در مسند ریاست جمهوری، وزارت در کابینه، وکالت در مجلس بلامانع است.

در ذیل ماده هشتادوسه قانون اساسی آمده است: در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای مردم کشور تأمین نمایند و از هر ولایت حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه (مجلس عوام) عضویت یا بند.

بنابراین از ۲۴۹ کرسی، زنان بدون رقابت با مردان می‌توانند حداقل ۶۰ کرسی را در اختیار داشته باشند (۲۵ درصد کل کرسی‌ها). کرسی‌های باقی‌مانده نمایندگان تقویض می‌شود (صرف نظر از جنسیت) که بیشترین آرا را بعدست آورده اند.

به استناد ماده ۸۴ قانون اساسی اعضای مشرانو جرگه (مجلس سنا) که به دوطریق انتخاب (دوسوم از بین اعضای شورای هر ولایت و نیز از بین اعضای شورای ولسوالی، صرف نظر از جنسیت و انتصاب یک سوم باقی‌مانده را رئیس جمهور منصوب می‌کند تعیین می‌شوند، حداقل یک ششم آن زنان می‌باشند زیرا ۵۰ درصد از یک سوم باقی‌مانده که رئیس جمهور انتصاب می‌کند. سهمیه زنان است بدون رقابت با مردان. علاوه بر سهمیه مذکور (که بدون رقابت در اختیار زنان است) آنان در بقیه سهم هم می‌توانند با مردان رقابت نموده و در صورت شایستگی کرسی‌های بیشتری به خود اختصاص دهند.

طبق این قانون این امکان هست که تمام اعضای شورای ملی (هم مجلس عوام و هم سنا) زنان باشند. ولی این امکان نیست که تمام آن مرد باشند. وضع این قوانین در راستای بهبود مشارکت سیاسی

زنان بوده، اما در این سهمیه بندی شاخص هایی همچون مدیریت، توانمندی، تخصص و دانش در اولویت نیستند و این برخلاف اصل عدالت بوده و باعث تضییع حقوق مردم می‌گردد.

زن محوری و تأکید افراطی روی حقوق زنان

در واقع اصل عدالت را که شایسته سالاری است تحت الشعاع قرار داده است. پیشرفت و توسعه افغانستان منوط به استفاده از افراد متخصص، توانمند، مدبر و آگاه است. با توجه به شکاف عمیق میان زن و مرد* در جامعه افغانستان و مهاجرت زن از صحنه اجتماع و سیاست، این قانون نه تنها در جهت مصالح کشور نیست، بلکه به مصلحت زنان نیز نیست، زیرا که جنسیت بر لیاقت و شایستگی مقدم شده، به عنوان مثال اگر از ولایتی سه نماینده باید انتخاب شود دو تایی آنها باید زن باشد صرف نظر از این که در مقایسه با مردان چه میزان رای کسب کرده و صرف نظر از این که دارای چه تخصص و توانمندی در مقایسه با مردان است. (اگرچه مردانی متخصص و توانمند وجود داشته باشد) این مسامحه و غفلت در سهمیه بندی موجب کاهش ارزش و کارایی مجلس، محرومیت ملت از توانایی و تخصص و تضییع حقوق عامه مردم می‌شود. در جامعه افغانستان به دلیل جهل، ناآگاهی، تعصبات و سنت‌های غلط، زنان در مقایسه با مردان از شاخص‌های توسعه مثل سواد و تحصیلات، مشارکت سیاسی اجتماعی، به میزان بسیار کمی بهره برده‌اند.

نیازهای اساسی زنان

جامعه سنتی افغانستان، هیچ‌گاه به زنان اجازه نداد است که يك انسان استعدادهايش را به منصفه ظهور برساند خوش بختانه فراهم شدن امکانات تحصیل برای عده‌ای از دختران در داخل و خارج و نیز پدیده مهاجرت باعث شد این دید تا حدودی عوض شود، اما تا بهبود اوضاع زنان و تغییر نگرش جامعه نسبت به زنان راهی بس طولانی و دراز است.

«تصویری که امروز از زنان افغانستان مجسم و بزرگ نمایی می‌شود بیشتر نیازهایی چون آزادی و فرار از لباس‌های سنتی است. گویی که جامعه افغانستان طی ۲۵ سال گذشته با تجاوز و کشتار بی‌امان دولت مقتدری چون روسیه و درگیری‌های مسلحانه، آوارگی، گرسنگی و مرگ و میر هزاران کودک و زن به دلیل کمبودهای غذایی و دارویی مواجه نبوده اند»^{[۲۸]xxviii} و حیاتی‌ترین نیازهای آنان هم اکنون شرکت در انتخابات و وزیر و وکیل شدن است!

مهم این است که هویت انسانی زن بازشناخته شود. باید به ضرورت توسعه ژرفای انسانی و ذاتی شخصیت زن اندیشید. این که او یک انسان است و می تواند در روند توسعه در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مانند مرد سهمی داشته باشد، زیرا اگر او نیرویش را به کارگیرد چیزی از نیروی مرد کمتر نخواهد داشت؟^{[۲۹]xxix}

آنچه برای یک جامعه، مخرب و کشنده است افراط و تفریط است زن افغانستانی دیروز در حصارهای جاهلیت اولیه با تفریط مواجه بود، امروز در عصر جاهلیت مدرن با افراط روبرو است، آیا این همه تأکید و تبلیغ برای به صحنه کشاندن زنان استفاده ابزاری از آنها نیست؟ آیا در پس پرده مقاصد دیگری نیست؟ آیا این حضور آنها در راستای تغییر نگرش جهان نسبت حکومت جدید و بدنبال آن قیومیت غرب نیست؟ چنانکه بارها به این امر مباحثات کرده و حضور زنان افغانستانی در صحنه نتیجه اقدامات بشر دوستانه و خیر خواهانه خود می توانند.^{[۳۰]xxx} در مقابل این کار انجام شده چه باید کرد. آیا چون ره آورد خودی نیست باید آن را نادیده گرفت؟

یا این که باید چشم بر حقایق و واقعیت‌های موجود در افغانستان بست و دل به این ره آوردهای باد آورده خوش نمود؟

به نظر میرسد زنان ما باید نسبت به وضعیت موجود در افغانستان هوشیار باشند نه خیلی خوشحال. باید در صحنه‌های اجتماع حضوری سازنده داشته باشند و وضع موجود را این‌گونه تفسیر کنند که عو سبب خیر شود اگر خدا خواهد.

راهکارهای بهبود مشارکت اجتماعی سیاسی زنان

الف- اصلاحات سطحی و قشری

از جمله این اصلاحات وضع قوانین و مقررات به نفع زنان است، تا آنها در صحنه‌ها حضور یا بند. «زنان اکثریت هر ملتی را تشکیل می دهند، اگر آنها در همه ارگان‌ها پست‌ها و مقام‌ها را احراز نکنند نظام قدیمی حفظ خواهد شد و متعاقب آن بندگی و فرمانبرداری برقرار خواهد بود»^{[۳۱]xxxi}

وضع قوانین و مقررات در راستای بهبود مشارکت اجتماعی سیاسی زنان لازم و ضروری است اما کافی نیست زیرا «تأفره‌نگ عمومی رشد نکند تنها قانون نمی‌تواند به طور کلی موفق باشد. با جعل پیشرفته‌ترین قوانین بدون تغییر در فرهنگ عمومی وضعیت زنان بهبود نمی‌یابد. برای بسیاری از زنان

دسترسی به قانون و عرض حال و پیگیری ممکن نیست و در صورت اقدام کارشان سخت تر خواهد شد و در نتیجه چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارند. لذا باید در کنار تدابیر قانونی باید به تعلیم و تربیت عمومی بهای جدی داد»^[۳۲]xxxii

ب) اصلاحات اساسی و زیری بنایی

تحصیلات و سواد یکی از شاخص‌های توسعه یا فتگی است، که نرخ تحصیلات و سواد در کشورهای پیشرفته در بالاترین حد و در کشورهای جهان سوم در پایین‌ترین حد می‌باشد. مراد از تحصیلات داشتن آگاهی و داده‌های جدید و عصری است. «تحصیلات راه روشنی فرا راه اندیشه قرار می‌دهد و بر باورهای غلط خط بطلان کشیده، باورهای صحیح را مصفا تر و فزاینده تر می‌فرماید و اعتقادات افراطی و تفریطی را تعدیل می‌کند»

۱- میزان با سواد

فراهم آوردن زمینه مناسب برای تحصیلات و سواد آموزی^[۳۳]xxxiii سواد به انسان قدرت استنباط و تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات را می‌دهد. اگر زنان ما باسواد شوند از اعمال نظر دیگران در سرنوشتشان جلوگیری کنند زنان تحصیل کرده بهتر مسائل خود را درک می‌کنند و بهتر می‌توانند به جامعه زنان آن‌ها یا ری برسانند.

۲- تجرید آموزه‌های دینی از دیدگاه سنتی

مشکلات در باب زن مربوط به دین نیست اما بسیاری بین دین و فرهنگ و سنن جاری در بین مردم تفکیک نمی‌کنند. برای دفاع از دینا نت هم که شده باید به حل جدی مسأله پرداخت.^[۳۴]xxxiv

«اسلام نسبت به زن نظر منفی ندارد و او را از لحاظ عقل و ایمان و حرکت زندگی انسانی پایین‌تر از مرد نمی‌داند. این «وهم اندیشی‌ها» که ذهن عوام و حتی بعضی از علما و متفکران اسلام را پر کرده با نظر اسلام و قرآن تطابق ندارد»^[۳۵]xxxv

در مسأله زن، اسلام از دو طرف مورد بی‌مهری و حمله قرار گرفته از یک سو برخی دین‌شنایان و مقدس‌مآب، تراوش‌های غلط ذهنی خود نسبت به زنان را به اسلام نسبت می‌دهند. و از سوی دیگر، غربیان از این وضع زنان مسلمان سوء استفاده نموده و عامل تمام نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و عقب ماندگی زنان را اسلام و عامل نجات و رهایی آن‌ها را روی گردانی از اسلام و توسل به دامن غرب

می‌داند!

اگر به سنت نبوی و سیره ائمه (ع) و متون دینی خود نیک بنگریم در می‌یابیم که اسلام نه طرفدار تبعیض بین زن و مرد است و نه طرفدار تساوی بلکه می‌کوشد تا در جامعه هر یک را در «جایگاه طبیعی» خویش بنشانند. اسلام تبعیض را جنایت می‌داند و تساوی را نادرست. طبیعت زن را نه پست تر از مرد می‌داند و نه همانند مرد، بلکه آن دو را مکمل هم می‌داند و عمق و ارزش این سخن بر خوانندگان آگاهی که شهامت آن را دارند که بی اجازه اروپا فکر کنند و با چشمان خویش ببینند پوشیده نیست»^{[۳۶]xxxvi}

۳- آگاهی، همت و اراده زنان

طبق آیه قران کریم که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بَقِومَ، حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بِنَفْسِهِمْ» (۱/ ارعد). تا زنان خودشان نخواهند سرنوشت‌شان را تغییر دهند هرگز دستی از غیب برای اصلاح امور آن‌ها نخواهد آمد، و دل کسی هم برای آن‌ها نخواهد سوخت. به‌قول معروف حق‌گرفتنی است نه دادنی. اگر زنان خود برای احقاق حقوق خویش تلاش نکنند چه کسی حقوق آن‌ها را احیاء خواهد کرد «جنبش سیاسی زنان وقتی معنای واقعی کلمه ظاهر می‌شود که خود جوش، رقابت آمیز، گروهی، سازمان یافته و مبتنی بر ایدئولوژی مناسب و خاص جنبش زنان باشد. در صورتیکه مشارکت زنان به تحریک گروه‌های دیگر و غیر رقابتی باشد به معنای واقعی کلمه مشارکت سیاسی زنان خواهد بود»^{[۳۷]xxxvii}

سخن آخر

انتخابات در پیش روی ماست، فرصتی است که باید غنیمت شمرد. غریبان مباحثات می‌کنند که انتخابات نتیجه اقدامات بشر دوستانه و خیر خواهانه آن‌هاست و لیکن ما می‌گوییم که انتخابات موهبتی است که خدا به ما داده زیرا که عود شود سبب خیر اگر خدا خواهد. سپاس خدایی را که فرمود: «إِنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْ ذَكَرٍ وَ إِنِّي» (آل عمران / ۱۹۵) وقتی آب در کوزه هست چرا باید گرد جهان گشت. وقتی اسلام این همه به زنان ارزش و ارج نهاده به دنبال فمینیسم چرا باید رفت؟ شعار آزادی زنان افغانستان نیرنگ و فتنه‌ای بیش نیست باید فتنه‌های زمانه و نیرنگ‌های مزورانه را شناخت. آری ای خواهر هم‌وطن! باید «آگاهانه» رای داد و «متعهدانه» رای گرفت تا نباشیم مصداق این سخن «چه از اندر در رای دادن و چه برده اند درساختن رای»^{[۳۸]xxxviii}

ای خواهر افغانستانی! هر جا که هستی و در هر مقام و منزلتی؛ دولتت باد! و اگر از روی

حقیقت پرسی، دولت آن است که محمود بود پایانش

پی نوشت

-
- [۱]i. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته های حقوق اساسی، ص ۲۷۲
- [۲]ii. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته های حقوق اساسی، ص ۱۷۶
- [۳]iii. قانون اساسی افغانستان، ماده ۸۳ و ۸۴
- [۴]iv. سید احمد فاضلی بیارجمندی، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (ع)، ص ۲۱۶
- [۵]v. سید محمد حسین فضل الله، اسلام، زن و جستاری تازه، ص ۲۱
- [۶]vi. حسین جوان آراسته مبانی حکومت اسلامی، ص ۵۶ و ۵۵
- [۷]vii. سوره توبه، آیه ۷۱
- [۸]viii. مهدی مهریزی، زن، ص ۱۰۴
- [۹]ix. آیت الله محمد مهدی شمس الدین، مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ص ۳۶ و ۳۷
- [۱۰]x. اسدالله محمدی نیا، آنچه یک زن باید بداند، ص ۴۱۳
- [۱۱]xi. همان
- [۱۲]xii. زهرا آیت اللهی، زن، دین، سیاست، ص ۲۳
- [۱۳]xiii. ممتحنه / ۱۲.
- [۱۴]xiv. فصلنامه تخصصی «یاد»، شماره ۷۵، ص ۱۱۶
- [۱۵]xv. سید احمد فاضلی بیارجمندی، نقش زنان شیعه در عصر امام علی (ع)، ص

۲۳۹

xvi[۱۶]. ماهنامه یاس ، پیش شماره ۹ ، ص ۱۴

xvii[۱۷]. بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۲۳- به نقل از کتاب زن، دین، سیاست، زهرا آیت

اللهمی، ص ۲۸

xviii[۱۸]. هفتاه نامه پگاه، شماره ۱۶۰، ص ۱۰

xix[۱۹]. حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۴۰

xx[۲۰]. صحیفه نور، ۱۸ / ۸ / ۵۷ ، زهرا آیت اللهمی، زن ، دین، سیاست، ص ۱۷

xxi[۲۱]. محمد فنايي اشکوري، منزلت زن در اندیشه اسلامي

xxii[۲۲]. شخصیت و حقوق زن در اسلام، مجموعه مقالات برگزیده ششمین

جشنواره شیخ طوسی ، مقاله محمد کاظم محقق ، ص ۴۸

xxiii[۲۳]. دکتر حسین بشیریه ، جامعه شناسي سياسي ، ص ۲۹۵

xxiv[۲۴]. مونت استوار الفتون ، افغانان ، جاي ، فرهنگ ، نژاد ، ترجمه محمد آصف

فکرت ، ص ۱۷۲

xxv[۲۵]. اصول کافي ، ج ۱ ، ص ۵۴

xxvi[۲۶]. انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خميني ، ص ۴۶

xxvii[۲۷]. ابوالفضل قاضي شريعت پناهي ، بایسته های حقوق اساسي ، ص ۱۷۸

xxviii[۲۸]. ملاهنامه یاس ، پیش شماره ۹ ، ص ۴۳

xxix[۲۹]. اسلام ، زن و جستاري تازه ، علامه سيد محمد حسين فضل الله ، ترجمه

مجید مرادي ، ص ۶۲

[۳۰] لورا بوش (همسر بوش) در پی سفر بیست مارس سال گذشته میلادی به افغانستان از آزادیهای زنان ابراز

خوشحالی می‌کند و حضور آنان را در صف‌های انتخاباتی اخیر را دلگرم کننده می‌خواند (هفته نامه پگاه، شماره ۱۶۰، صفحه ۱۰)

xxx[۳۱]. رژه گارودي ، زنان چگونه به قدرت مي رسند ، ص ۱۳۱

xxxi[۳۲]. محمد فنايي ، منزلت زن در اندیشه اسلامي ، ص ۶۷

xxxiii[۳۳]. فصلنامه تخصصي بانوان شيعه ، سال دوم ، شماره ۳ ، ص ۱۰۸

xxxiv[۲۴]. محمد فناپی اشکوری ، منزلت زن در اندیشه اسلامی ، ص ۶۶

xxxv[۲۵]. سید محمد حسین فضل الله ، اسلام ، زن و جستاری تازه ، ص ۲۶

xxxvi[۲۶]. دکتر علی شریعتی ، زن در دیده و دل محمد ، فصلنامه تخصصی یاد ،

شماره ۷۵ ، ص ۵۴

xxxvii[۲۷]. دکتر حسین بشیریه ، جامعه شناسی سیاسی ، ص ۲۸۹

xxxviii[۲۸]. دکتر علی شریعتی ، امت و امامت ، ص ۱۹۰ ، ۱۹۳